

## Globalization of Intellectual Property Law and the Challenge of Development and Public Health

*Saeed Habiba<sup>1</sup>, Mohammad Moeineslam<sup>2</sup>*

### Abstract

Intellectual property plays an increasingly vital role in global trade and economic development. Globalization of intellectual property rights means that intangible informational resources are now produced, exchanged and consumed anywhere and everywhere defying jurisdictional borders. Intellectual property has moved into the mainstream of national economic and developmental planning; in the recent past it has also emerged as a central element of multilateral trade relations. In the early twenty-first century, the concept of intellectual property is beginning to encounter insistently the concept of development. These recent interactions, occurring within the context of accelerating globalization, have renewed questions about the fundamental purpose of intellectual property. Moreover, the crisis over access to patented antiretroviral drugs has recently injected human rights and social justice debate into a field dominated by commercial instrumentalism and economic rationales and given intellectual property a reason to reconsider its welfare generating justification. This Article attempts to map the challenges raised by these encounters between intellectual property and development.

### Keywords

Concept of Development, Globalization, Public Health, Economic Growth, Access to Medicines

Please cite this article as: Habiba S, Moeineslam M. Globalization of Intellectual Property Law and the Challenge of Development and Public Health. *Iran J Med Law* 2018; 12(44): 175-190.

---

1. Professor, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding author)  
Email: habiba@ut.ac.ir

2. PhD Candidate in Private Law, University of Tehran, Tehran, Iran.

Original Article Received: 22 June 2017 Accepted: 19 February 2018

## جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری و چالش توسعه و سلامت عمومی

سعید حبیب<sup>۱</sup>

محمد معین اسلام<sup>۲</sup>

### چکیده

جهانشمولی تجارت در داریی‌های فکری، به این معنا است که در حال حاضر، منابع اطلاعاتی ناملموس، فارغ از مرزبندی‌های سیاسی، در هر جا و همه جا، تولید، مبادله و مصرف می‌شوند. در این پژوهش، مقصود ما از جهانی‌سازی، فرایند یا مجموعه فرایندهایی است که یک اقتصاد جهانی هماهنگ، محیط زندگی واحد و یک شبکه پیچیده و فعال ارتباطات که سراسر گیتی را دربر می‌گیرد، شامل می‌شود. بدین سان، نظام حقوق خصوصی و مالکیت فکری کشورهای جهان، مجموعه‌ای به هم وابسته را تشکیل داده و مرزهای جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی، اگرچه به طور کامل نابود نمی‌شوند، اما کم‌رنگ خواهند شد. این مقاله، درصدد بررسی حقوقی سیاستگذاری‌های مختلف در زمینه توسعه و چالش‌های آن برای جهانی‌شدن نظام حقوق مالکیت فکری است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های جهانی‌سازی، اتخاذ اقدامات ضروری جهت حمایت از تغذیه و بهداشت عمومی و نیز منافع عمومی کشورهای در حال توسعه در حمایت از بخش‌های حائز اهمیت حیاتی برای توسعه اجتماعی، اقتصادی و فناورانه است. توجه به این چالش‌ها برای بهداشت و سلامت عمومی باعث گردید در مقدمه موافقت‌نامه تریپس، به نیازهای خاص کشورهای کم‌توسعه‌یافته به برخورداری از بیشترین انعطاف در تطبیق و اجرای داخلی قوانین و مقررات اشاره شود. در این مقاله، ابتدا به معرفی موضوع و چالش توسعه پرداخته و سپس نحوه تعامل و برخورد سازمان‌های بین‌المللی را با چالش توسعه در فرایند جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری بررسی خواهیم نمود.

۱. استاد گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: habiba@ut.ac.ir

(نویسنده مسؤول)

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، بهار ۱۳۹۷

۱۷۷ / فصلنامه حقوق پزشکی

### واژگان کلیدی

توسعه، جهانی‌سازی، نظام حقوق مالکیت فکری، سازمان جهانی تجارت، موافقت‌نامه تریپس، سلامت و بهداشت عمومی

## مقدمه

## گفتار نخست: مقدمه و معرفی چالش

در آغاز قرن بیست و یکم، جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری، با چالشی مفهومی به نام توسعه رو به رو شد. این برخوردها در شرایط تسریع در فرایند جهانی‌سازی، این پرسش‌های چالشی را دوباره مطرح کرده است که هدف اصلی از برقراری این حقوق چیست و آیا در فرایند جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری، اصل یا سیاستی که صریحاً و به صورت فراگیر با اقبال عمومی مواجه شده باشد، وجود دارد؟ این چالش‌ها باعث شده تا نویسندگان، موضوع عدم توازن و نابرابری در خصوص هنجارسازی و تفسیر قواعد حقوق مالکیت فکری را به عنوان خطری فزاینده در فرایند جهانی‌سازی نظام حقوق مالکیت فکری مطرح نمایند، مواردی مثل دوقطبی شدن کشورها به شمال و جنوب و سهم اندک کشورهای در حال توسعه در فرایند جهانی حمایت و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و ثبت و حمایت از اختراعات با فناوری پیشرفته، توزیع نابرابر منابع قدرت و نوآوری میان کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه و نقش مهم کشورهای پیشرفته و ثروتمند مانند امریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن در فرایند جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری، از جمله عواملی است که باعث شده در این سیر جهانی‌سازی، کشورهای کوچک و فقیر، نقش کم‌تری داشته و بیشتر مجری تصمیمات باشند تا تصمیم‌ساز (۱).

در این مقاله می‌کوشیم چالش‌های جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری را در زمینه توسعه به تصویر کشیم. پارادایم‌های توسعه که این جهانی‌سازی را به چالش کشیده‌اند، موضوعاتی فراتر از رفاه اجتماعی را دربر می‌گیرد. دیدگاه‌های اقتصادی توسعه‌محور، توصیه اکید به اعمال اصل بنیادین برابری در فرایند جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری دارد؛ در این نظر گاه، دستاوردهای جهانی‌سازی، نه‌تنها از طریق اندازه‌گیری میزان رشد اقتصادی، بلکه با سنجش «آثار توزیعی (Distributional Effects)» این جهانشمولی باید ارزیابی شود. این اصل بنیادین برابری، از نتایج ضروری برخی قواعد رسمی چون رفتار ملی و حمایت‌ها و استانداردهای حداقلی است که تقریباً در تمامی کشورها فارغ از سطح و درجه توسعه‌یافتگی‌شان اعمال می‌شود.

جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری، سبب خلق دیدگاه‌های تازه در خصوص مالکیت فکری شد. به عنوان مثال، برای توجیه ورود حقوق مالکیت فکری به حوزه منافع عمومی، مطالعات دقیق تجربی و تحقیقی در زمینه نقش حمایت از این حقوق در نوآوری و رشد اقتصادی صورت گرفت، در حالی که در گذشته، این مباحث، بیشتر متکی به حدس و گمان بود تا تحقیق و مطالعه تجربی. عامل دیگر توجه منطق اقتصادی به توجیه نقش و فواید حقوق مالکیت فکری، بحران عدم دسترسی به داروهای ضد ویروس پتنت شده، به ویژه داروی ایدز بود که سبب طرح مباحث حقوق بشری و عدالت اجتماعی شد.

این ملاحظات توسعه‌ای سبب شد موافقت‌نامه تریپس، به اهداف توسعه‌ای کشورهای عضو و همچنین اتخاذ اقدامات ضروری جهت حمایت از تغذیه و بهداشت عمومی و نیز منافع عمومی اعضا در حمایت از بخش‌های حائز اهمیت حیاتی برای توسعه اجتماعی، اقتصادی و فناورانه اشاره کند. افزون بر این، در مقدمه این موافقت‌نامه، به نیازهای خاص کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته به برخورداری از بیشترین انعطاف در تطبیق و اجرای داخلی قوانین و مقررات توجه شده است. بر این اساس است که ماده ۷ موافقت‌نامه در بخش اهداف بیان می‌دارد: «حمایت از حقوق مالکیت فکری و اجرای این حقوق باید به توسعه ابداعات تکنولوژیک و انتقال و گسترش فناوری و استفاده متقابل تولیدکنندگان و به کارگیرندگان دانش فنی کمک کند و به گونه‌ای صورت گیرد که به رفاه اقتصادی و اجتماعی و توازن میان حقوق و تعهدات منجر شود.» توافق‌نامه میان سازمان ملل متحد و سازمان جهانی مالکیت فکری (واپو) نیز ملاحظات مزبور را مد نظر قرار داده است (۲).

مهم‌ترین بازخورد از تأثیر جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری بر توسعه و رفاه کشورهای در حال توسعه در مقایسه با توسعه‌یافته‌ها، چالش دسترسی به اختراعات دارویی در چارچوب حق (۳) اعضا در حمایت از بهداشت عمومی خود بود. در اعلامیه دوحه، بر «حق اعضای سازمان جهانی تجارت نسبت به حفاظت از بهداشت و سلامت عمومی و به ویژه ارتقای دسترسی به داروها برای همه» تأکید شده است. این ملاحظات توسعه‌ای، در «اهداف توسعه هزاره» (۴) نیز که محور تلاش‌های سازمان ملل متحد برای حمایت از تمامیت بشر در سراسر جهان بود، بیان شده است.

اگرچه امروزه در محافل علمی، توجه ویژه‌ای به حمایت از دانش سنتی می‌شود، اما خارج از قلمرو توسعه اقتصادی، در جهانی‌سازی حقوق مالکیت فکری، به توسعه فرهنگ‌های بومی و محلی، کم‌تر توجه شده است.

فرایند جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری، بازتابی از تجربه نظام‌های حقوق داخلی و ملی در برقراری تعادل میان حمایت از محصولات دانش‌بنیان در قالب حقوق مالکیت فکری و از سوی دیگر، دسترسی مصرف‌کنندگان به دانش نهفته در این محصولات است. ماده ۷ موافقت‌نامه تریپس با عنوان «اهداف»، اشاره دارد که حمایت از حقوق مالکیت فکری، باید به استفاده متقابل تولیدکنندگان و به کارگیرندگان دانش فنی کمک کند و به گونه‌ای صورت گیرد که به رفاه اقتصادی و اجتماعی و توازن میان حقوق و تعهدات منجر شود. همه کشورها، دستیابی به رفاه مطلوب اجتماعی را در برقراری چنین تعادلی مفروض گرفته‌اند.

در یک ارزیابی کلی از فرایند جهانی‌سازی، به نظر می‌رسد اهداف بلندمدت توسعه‌ای و منافع عمومی و اجتماعی، در سایه حمایت انحصاری از منافع کوتاه‌مدت فردی و صنایع خصوصی قرار گرفته است، با این توجیه که حداکثرسازی سود و منافع بخش خصوصی، در خدمت ارتقای رفاه اجتماعی قرار خواهد گرفت. در حالی که ارزیابی دقیق‌تر نشان می‌دهد لزوماً این دو هدف، در موازات و سازگاری با یکدیگر قرار ندارند.

توجه به این ملاحظات توسعه‌ای سبب شد برخی نظریه‌پردازان (۵)، مفهوم «منافع و دارایی‌های عمومی جهانی (Global Public Goods)» را مطرح نمایند. این منافع عمومی که نیازمندی‌های بشر را تأمین می‌نماید، پیوندی ناگسستنی با محصولات دانش‌بنیان دارد، نظیر کنترل بیماری، استانداردهای فرهنگی آموزشی و حتی عدالت اجتماعی و برابری.

موضوعات متنوع و فراوانی که در زیرمجموعه منافع عمومی جهانی طبقه‌بندی شده‌اند، این نظریه جدید را با نظریه سنتی منافع و حوزه عمومی (Public Domain)، متفاوت کرده است. امروزه، نظریه‌پردازان منافع عمومی جهانی، مصرانه این پرسش را مطرح می‌کنند که ذی‌نفعان منافع عمومی چه کسانی هستند؟ وانگهی، این نظریه‌پردازان، نه تنها بر بحث تأمین ناکافی منافع عمومی، بلکه بر موضوع دسترسی نابرابر به منافع عمومی جهانی نیز تمرکز کرده‌اند.

از لحاظ تجاری نیز، به نظر می‌رسد جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری، بیشتر به سود کشورهای صاحب دارایی‌های فکری بوده است. آمار بانک جهانی نشان می‌دهد کشورهای

توسعه یافته، به دلیل ارزش افزوده اختراعاتشان، ذی نفعان اصلی موافقت نامه تریپس بوده اند. به عنوان نمونه، سود ایالات متحده از اجرای مقررات موافقت نامه تریپس، بیش از نوزده میلیارد دلار در سال است (۶).

بنابراین افزون بر اصول مهم رفتار ملی و استانداردهای حداقلی که برای برقراری ظاهری برابری و عدالت میان کشورهای شکل دهنده نظام جهانی مالکیت فکری وضع شده اند، پیشنهاد ما این است که جهانی سازی نظام حقوق مالکیت فکری، باید اصل «برابری ماهوی و حقیقی (Substantive Equality Norm)» را نیز دربر گیرد. بدین شکل که حمایت از حقوق مالکیت فکری، کلیه کشورها از جمله کشورهای در حال توسعه را قادر به تولید و به کارگیری فناوری نماید. این اصل پیشنهادی، بر پایه مفهوم توسعه انسانی بنا شده است که به اشکال مختلف نظیر «آثار اجتماعی رشد اقتصادی» یا «کاهش فقر» بیان می شود. در این رهیافت، بعضی از منافع عمومی، بر برخی دیگر مقدم خواهد شد، مثلاً تأمین نیازهای اولیه غذایی، بهداشتی و آموزشی، بر دیگر اهداف و منافع عمومی مانند تشویق نوآوری از طریق اعطای حقوق انحصاری اولویت خواهد داشت؛ اگر ظرفیت سازی برای پیشرفت فناوری را به عنوان یکی از اهداف مهم جهانی سازی حقوق مالکیت فکری محسوب کنیم، پیش شرط اساسی آن، وضعیت مناسب آموزشی و بهداشتی است. فرایند آموزش به پیشرفت فناوری منجر شده که در نتیجه، رشد اقتصادی را به دنبال خواهد داشت.

مقدمه و نیز ماده ۸ موافقت نامه تریپس به واژه کلیدی «توسعه» اشاره نموده اند که می تواند به گونه ای تفسیر شود تا برابری ماهوی و حقیقی را نیز دربر گیرد، هم چنانکه در دیگر اسناد نظیر اهداف توسعه هزاره ملل متحد مورد تأکید واقع شده است. بر اساس کنوانسیون حقوق معاهدات وین، مشابه با عبارت ماده ۲۲۴ قانون مدنی (الفاظ عقود محمول است بر معانی عرفیه) یک معاهده با حسن نیت و منطبق با معنای متعارف آنکه باید به اصطلاحات آن در سیاق عبارت و در پرتو موضوع و هدف معاهده داده شود، تفسیر خواهد شد (۷)، هم چنانکه پیش از این اشاره شد، توافق نامه میان سازمان ملل متحد و سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) نیز به مفهوم «توسعه» اشاره نموده که قابل تسری به تمامی امور و فعالیت های وایپو است. در نتیجه، بر اساس این اسناد و مقررات، اصطلاح توسعه باید به مفهوم موسع و گسترده خود که دربرگیرنده قاعده و اصل برابری است، تفسیر گردد.

همچنین لازم است معاهدات بین‌المللی از لحاظ تطابق با اصول مذکور مثل انصاف و... مورد بازنگری قرار گیرند، البته این فرایند بازبینی، بایستی با احتیاط کامل و رعایت اصل «لزوم قراردادها (Pacta Sunt Servanda)» و تلاش در جهت حفظ و استمرار همکاری‌های متقابل صورت گیرد تا از فرصت‌طلبی قدرت‌های بزرگ در جریان جهانشمولی جلوگیری شده و دستاوردها و منافع نشأت‌گرفته از همکاری‌های بین‌المللی، به نحو منصفانه‌ای توزیع شود.

واقعیت این است که تأثیر نامطلوب جهانی‌سازی بر توسعه، سبب بدبینی کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته به جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری شده است، مثلاً در حالی که مذاکرات در ژنو در خصوص دسترسی به دارو در حال انجام بود، نمایندگی تجاری ایالات متحده ((United States Trade Representative (USTR) و دستگاه «تحقیق و ساخت دارویی امریکا ((Pharmaceutical Research and Manufacturers of America (PhRMA)» به سختی در پی وضع محدودیت‌های جایگزین در توافق‌نامه‌های «تجارت آزاد (Free Trade)» (نظیر موافقت‌نامه تجارت آزاد استرالیا یا «توافق‌نامه تجارت آزاد امریکای شمالی (نفتا)» (۸) و پس از آن، «موافقت‌نامه تجارت آزاد امریکای مرکزی» (۹)) بودند که باعث نادیده‌انگاشتن انعطاف‌های موجود در اعلامیه دوحه و منع دسترسی به داروهای ارزان‌تر ژنریک می‌شد. این محدودیت‌ها، خارج از حد معمول بود و آثار ناگواری برای کشورهای فقیر به دنبال داشت.

در نهایت باید گفت که جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری، با مفهوم توسعه، در چالش و تقابل قرار گرفته است، اما با وجود این، هر دو مفهوم تاکنون با یکدیگر همزیستی و نیز تأثیرات متقابل بر هم داشته‌اند که باعث تحولات مفهومی در آن‌ها شده است و در ادامه به این تقابلهای و تحولات می‌پردازیم.

### گفتار دوم: سازمان جهانی تجارت و چالش حمایت از بهداشت و سلامت عمومی

تردیدی نیست که جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری، با انعقاد موافقت‌نامه تریپس در سال ۱۹۹۴ و در مذاکرات دور اروگوئه، سرعت گرفت. در مقایسه با رویکرد گزینشی و نامنظم موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه پیشین، تریپس، استانداردهای حداقلی یکسانی را در همه موضوعات حقوق مالکیت فکری وضع کرد. این موافقت‌نامه، امضاکنندگان خود را ملزم به رعایت اصل رفتار ملی نمود که بر اساس آن، کشورها نمی‌توانند نسبت به یک شخص خارجی



دارنده حقوق مالکیت فکری، رفتاری تبعیض‌آمیز در قیاس با اتباع خود داشته باشند. نکته مهم‌تر این‌که رسیدگی به اختلافات ناشی از موافقت‌نامه‌تریپس، در صلاحیت «نظام حل و فصل اختلاف سازمان جهانی تجارت (WTO Dispute Settlement Understanding (DSU))» است که در مقایسه با دیگر معاهدات، ضمانت اجرای مؤثرتری برای مقابله با نقض تعهدات در عرصه بازرگانی دارد. نگرانی از مسأله «سواری مجانی (Free Riding)» و بهره‌برداری‌های غیر مجاز از دارایی‌های فکری در سطح جهان، سبب شد که مالکیت فکری نیز به برنامه مذاکرات تجارت جهانی اضافه شود.

به این خاطر که خیلی از کشورها، از فقیر و غنی، خواهان مشارکت در قواعد بازرگانی بین‌المللی وضع‌شده توسط WTO بودند، هنجارهای حقوق مالکیت فکری نیز وارد نظام حقوقی کشورهایی شد که پیش از این، فاقد مقرراتی در این سطح بودند. جهانی‌سازی، مقررات حقوق مالکیت فکری را با موضوعات غیر مرتبط در تجارت جهانی نظیر کشاورزی و محصولات نساجی پیوند زده است. وضع استانداردهای بالاتر برای حمایت از حقوق مالکیت فکری و پیوندزدن آن با تجارت جهانی، به علت عدم تمایل کشورهای در حال توسعه، از حساس‌ترین موضوعات در مذاکره با این کشورها بود.

استانداردهای حداقلی مقرر در موافقت‌نامه‌تریپس، نمونه بارز جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری و تسری و ادغام این مقررات در سیاست داخلی نظام‌های ملی است. برخلاف گذشته که تمرکز بر روی رفع موانع تجاری و گمرکی بود، کشورهای در حال توسعه با موضوع جدید یکنواخت‌سازی و جهانی‌سازی در عرصه‌ای غیر از کالا و خدمات مواجه شده‌اند. تریپس با پیوند به موضوع دسترسی به بازار، رفتارهای خاص و تبعیضی را آن‌گونه که پیش از آن رایج بود، فارغ از وضعیت اقتصادی کشورها ممنوع ساخته است.

دغدغه‌های چالشی توسعه در زمان مذاکرات موافقت‌نامه‌تریپس از سوی کشورهای در حال توسعه موسوم به گروه چهارده که عبارت بودند از: آرژانتین، برزیل، شیلی، چین، کلمبیا، کوبا، مصر، هند، نیجریه، پاکستان، پرو، تانزانیا، اروگوئه و زیمبابوه مطرح می‌شد که در تقابل با پیشنهاد اتحادیه اروپا، امریکا، سوییس، ژاپن و استرالیا (مواد اصلی متن فعلی) قرار داشت و در نهایت، چنانکه ذکر آن رفت، به ذکر کلی و مبهم این اصول ناظر بر توسعه، در مقدمه و مواد ۷ و ۸ موافقت‌نامه بسنده شد.

از دید کشورهای توسعه‌یافته، موانع غیر گمرکی تجارت مانند مقررات نامناسب و ناکافی در حوزه حقوق مالکیت فکری، مهم‌ترین چالش در فضای «پساتریپس (Post-TRIPS)» محسوب می‌شد. از این رو استانداردهای حداقلی «یکسان برای همه (One Size Fits All)» در موافقت‌نامه تریپس بدون توجه به سطح و درجه توسعه‌یافتگی کشورها تدوین شد. اصطلاح «یکسان برای همه»، نه‌تنها جهت توضیح مفهوم استانداردهای حداقلی یکسان برای تمامی کشورها، بلکه برای تبیین عدم انعطاف این قواعد با توجه به سطح توسعه‌یافتگی کشورها به کار می‌رود. بنابراین کشورهای در حال توسعه کوشیدند با اتخاذ ادبیات توسعه، انعطاف‌هایی را در این قواعد حداقلی به منظور دستیابی به اهداف توسعه‌ای مطرح نمایند.

در واقع، بحث صدور مجوزهای اجباری در خصوص بحران فراگیر ایدز، سبب شد تعدادی از کشورهای در حال توسعه پیش از برگزاری نشست وزرای تریپس در دوحه با استناد به موضوع توسعه بر این موضع پافشاری نمایند که موافقت‌نامه تریپس نایستی بر اولویت حفظ سلامت و بهداشت عمومی محدودیت بگذارد. در این دیدگاه، حمایت از حقوق مالکیت فکری، در فضای خلأ صورت نمی‌گیرد، بلکه انتظار می‌رود به جامعه به طور کلی نفع برساند و هدف، تنها حمایت از حقوق خصوصی نباشد. مانع اصلی در مقابل دیدگاه مذکور، این است که ادبیات تریپس در خصوص توسعه، بیش از آنکه الزام‌آور و امری باشد، از قواعد تکمیلی و ارشادی بوده و در بدنه و متن اصلی موافقت‌نامه واقع نشده است، البته مستفاد از ماده ۳۱ کنوانسیون وین، معاهدات باید با توجه به اصول و اهداف آن و با حسن نیت تفسیر شده و مقدمه و پیوست‌ها نیز جزئی از بافت و متن معاهده‌اند.

در نهایت، مذاکرات توسعه‌ای دور دوحه سازمان جهانی تجارت، بر موضوع نیازهای کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته متمرکز شد. یکی از حساس‌ترین مباحث این دور، چانه‌زنی میان کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه بر سر ارتباط میان موافقت‌نامه تریپس و سلامت و بهداشت عمومی بود. تریپس، به صورت محدود استثنائاتی را در خصوص حق اختراع و حقوق مالکیت ادبی و هنری تجویز نموده است. یکی از آن‌ها، ماده ۳۰ است که مقرر می‌کند اعضا می‌توانند استثنائات محدودی را در مورد حقوق انحصاری ناشی از ثبت اختراع قائل شوند، مشروط بر این‌که استثنائات مزبور، مغایرتی نامعقول با استفاده متعارف از اختراع نداشته باشد و به منافع مشروع مالک اختراع ثبت‌شده، لطمه‌ای نامعقول وارد نیاورد. مورد دیگر، ماده ۳۱ است

که به کشورها تحت شرایطی اجازه صدور مجوز اجباری می‌دهد که از مهم‌ترین این شرایط، آن است که چنین اجازه‌ای، تنها برای تدارک بازار داخلی عضو اجازه‌دهنده امکان‌پذیر می‌باشد؛ از آنجا که بیشتر کشورهای در حال توسعه که نیازمند دارو هستند، فاقد ظرفیت داخلی داروسازی می‌باشند، شرط مزبور، امکان استفاده از مجوز اجباری را در عمل غیر ممکن می‌سازد. این مناقشات و چالش‌های حقوقی، در برخی موضوعات، خود را نمایان ساخت: نخست در اعلامیه دوحه در مورد تریپس و سلامت و بهداشت عمومی؛ و پس از آن، تصمیم شورای عمومی در تجویز استفاده از آنتی‌ویروس‌های گران‌قیمت توسط کشورهای فقیر و امکان سفارش ساخت کپی‌های ارزان‌تر به تولیدکننده‌های خارجی (۱۰).

#### گفتار سوم: سازمان جهانی مالکیت فکری و چالش توسعه

پیش از آنکه سازمان جهانی تجارت، تبدیل به نقطه ثقل اجرای مقررات جهانشمول حقوق مالکیت فکری گردد، وایپو مسؤول اصلی مدیریت مهم‌ترین معاهدات چندجانبه مالکیت فکری نظیر کنوانسیون‌های پاریس و برن بود. از زمان اجرایی شدن موافقت‌نامه تریپس، به نظر می‌رسد سازمان جهانی مالکیت فکری، برای حمایت بیشتر از تولیدکنندگان، تحت فشار قرار دارد. ماده ۶۸ موافقت‌نامه تریپس، به طور خاص، چارچوبی را برای همکاری شورای تریپس و سازمان وایپو مقرر کرده است که بلافاصله به یک موافقت‌نامه همکاری (۱۱) منتج شد. از لحاظ تاریخی، به نظر می‌رسد سازمان جهانی مالکیت فکری بیشتر طرف منافع تولیدکننده را گرفته تا مصرف‌کننده، بخش اعظم بودجه اجرایی وایپو، از درآمد معاهده همکاری ثبت اختراع (PCT) تأمین می‌شود که بیشتر آن نیز، تعرفه ثبت اظهارنامه‌های متعلق به کشورهای توسعه‌یافته است. این گرایش در مذاکرات منتهی به تصویب «معاهده کپی‌رایت وایپو» (۱۲) و «معاهده اجراکنندگان و فونوگرام وایپو» (۱۳) در ۱۹۹۶ پررنگ‌تر و آشکارتر است. حساسیت بالای جریان مذاکرات، از افزایش تنش میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان حقوق مالکیت ادبی و هنری در عرصه فناوری دیجیتال و تمایل وایپو به طرفداری از منافع تولیدکنندگان در مقابل مشتریان خبر می‌داد.

البته سازمان جهانی مالکیت فکری کوشیده است در برخی موضوعات جزئی و موردی ناظر بر توسعه ورود پیدا کند. برای مثال، اقدامات گسترده حقیقت‌یابی در خصوص حمایت از دانش

سنتی، یا تلاش جهت ایجاد هماهنگی میان تعهدات «کنوانسیون تنوع زیستی» (۱۴) و تعهدات برخاسته از موافقت‌نامه تریپس.

در فرایند جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری، وایپو برای بازبینی وظایف و اختیارات خود بر اساس مقوله توسعه، تحت فشار و چالش ائتلافی از کشورهای در حال توسعه و برخی سازمان‌های مردم‌نهاد (سَمَن‌ها) (Non-Governmental Organizations (NGOs)) قرار گرفته است. در سی و یکمین مجمع عمومی سازمان در پاییز ۲۰۰۴، مقرر شد که پیشنهاد ارائه‌شده از سوی گروه کشورهای در حال توسعه برای ارتقای ابعاد توسعه‌ای کلیه فعالیت‌های وایپو (۱۵)، مد نظر قرار گیرد؛ این پیشنهاد که موسوم به «دستور کار توسعه (Development Agenda)» بوده و توسط برزیل و آرژانتین ارائه شد، بعدها در نشست‌های مختلف سازمان جهانی مالکیت فکری، مورد توجه واقع گردیده و منجر به ایجاد «کمیته توسعه و مالکیت فکری (Committee on Development and Intellectual Property (CDIP))» شد. همچنین وایپو سمینارهای بین‌المللی متعددی در خصوص حقوق مالکیت فکری و توسعه، نه‌تنها با حضور کشورهای عضو، بلکه سَمَن‌ها، نهادهای مدنی و دیگر ذی‌نفعان و ناظران علاقه‌مند برگزار نموده است. مجموعه این اقدامات، بیانگر درک سازمان وایپو از نقش خود در کنار دستور کار توسعه سازمان ملل متحد است.

دستور کار توسعه از سازمان جهانی مالکیت فکری خواسته است که اقدامات خود را در راستای اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد قرار داده و تأثیر جهانی‌سازی حقوق مالکیت فکری بر توسعه را ارزیابی نماید. همچنین این دستور کار، به بند ۱۹ «اعلامیه نشست وزیران دوحه» (۱۶) در خصوص درخواست از شورای تریپس برای در نظرگرفتن ابعاد توسعه‌ای حمایت از حقوق مالکیت فکری ارجاع نموده است. دستور کار توسعه، از وایپو خواسته است تا اصلاح اساسنامه خود را به منظور گنجانیدن ابعاد توسعه‌ای در اهداف و کارکرد سازمان وایپو مورد بررسی قرار دهد.

دستور کار مزبور، به طور خاص پیشنهاد نموده بود که مواد ۷ و ۸ موافقت‌نامه تریپس در پیش‌نویس «معاهده ماهوی ثبت اختراع ((Substantive Patent Law Treaty (SPLT))» گنجانده شود. همچنین پیشنهاد شد سازمان جهانی حقوق مالکیت فکری، گفتگوهایی را جهت

تدوین پیش‌نویس معاهده دسترسی به دانش و فناوری با هدف ایجاد تعادل میان اجرای حقوق مالکیت فکری و تشویق و ارتقای همکاری‌ها و کمک‌های فنی و توسعه‌محور سامان دهد. در مراحل نخستین بحث پیرامون دستور کار توسعه، در خصوص نحوه تعامل جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری با توسعه، دو دیدگاه متفاوت میان کشورها وجود داشت. گروه اول، انحصارگراها بودند که معتقدند ساز و کار وایپو در حمایت حداکثری و جهانشمول از حقوق مالکیت فکری، مناسب بوده و پرداختن به مقولات توسعه، لازم نیست. در مقابل، گروه دیگر معتقد بودند نظام حقوق مالکیت فکری باید بیش از پیش نسبت به نگرانی‌های توسعه‌ای نظیر سلامت و بهداشت عمومی، دسترسی به آموزش و بهبود زیرساخت‌های اقتصادی پاسخگو باشد. دیدگاه انحصاری، از سوی کشورهای موسوم به گروه «B» (انگلستان به همراه کشورهای ثروتمندی چون آمریکا، کانادا، استرالیا، ژاپن و سوییس)، اتحادیه اروپا و برخی سازمان‌های مردم‌نهاد بیان می‌شد که تلاش می‌کردند مقولات توسعه‌ای را به کمک‌های فنی، محدود و منحصر نمایند. لازم به ذکر است بر اساس بند ۲ ماده ۶۶ تریپس، «کشورهای توسعه‌یافته عضو، انگیزه‌هایی را برای بنگاه‌ها و مؤسسات واقع در قلمرو خود به منظور پیشبرد و تشویق انتقال فناوری به کشورهای عضو در کم‌ترین درجه توسعه ایجاد خواهند کرد تا کشورهای مزبور بتوانند مبنای فناوری بادوام و درستی را ایجاد نمایند.» ماده ۶۷ نیز به ارائه کمک‌های فنی و مالی به این کشورها اشاره دارد. دیدگاه مقابل را این گروه از کشورهای در حال توسعه، معروف به «دوستان توسعه (Friends of Development)» نمایندگی می‌کرد: جامعه کشورهای کارائیب و گروه آفریقا. در حقیقت، دستور کار توسعه، انعکاسی از دهه‌ها مناقشه و چالش میان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته بر سر سیاست مناسب مالکیت فکری در عرصه بین‌المللی است.

### نتیجه‌گیری

حمایت از حقوق مالکیت فکری، در اثر برخی تحولات حقوقی، سیاسی و اقتصادی، از مرحله ملی‌گرایی در حقوق خصوصی، به سمت جهانشمولی حرکت کرده است. به نظر می‌رسد که ویژگی‌های این عناصر، به ترتیبی است که تصویب قوانین هماهنگ با این جهانی‌سازی را برای دولت‌ها امری اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در این مجال تنها به این موضوع اشاره می‌شود که

نظام یکپارچه مقرر در اسناد مؤسس سازمان جهانی تجارت به شکلی است که پیوستن به این سازمان، منوط به پذیرش تمامی موافقت‌نامه‌های زیرمجموعه آن، از جمله موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری است و از سوی دیگر موافقت‌نامه اخیر، بدون الزام کشورها به الحاق به کنوانسیون‌های پاریس و برن، اعمال استانداردهای این دو معاهده مادر را در قوانین ملی، اجباری کرده است. چنین امری که در تاریخ موافقت‌نامه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، بی‌سابقه است، نشان از اهمیت جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری در عصر حاضر دارد. پس به عبارت دیگر می‌توان گفت مشابه با طرح نظریه حقوق بازرگانی فراملی (Lex Mercatoria)، حمایت از حقوق مالکیت فکری نیز گستره‌ای فراملی پیدا کرده و تبدیل به عرفی جهانی شده است. بدیهی است که تأکید بر سیر حقوقی نظام موجود در سطح ملی و جهانی، نباید باعث نادیده‌نگاشتن چالش‌های جهانی‌شدن مالکیت فکری شود، به ویژه آنکه تلاش کشورهای در حال توسعه و حرکت‌های اجتماعی حمایت از حق توسعه، تعارض میان منافع خصوصی شرکت‌های بزرگ و منافع عمومی کشورهای در حال توسعه را بیش از پیش منعکس می‌کند. بررسی سیر حقوقی نظام جهانی حقوق مالکیت فکری، نشان‌دهنده آن است که این حرکت به سمت جهانشمولی، به دلیل وجود موضوعات چالش‌برانگیزی مانند حقوق بشر، توسعه، سلامت و بهداشت و دانش سنتی و نیز اصل سرزمینی‌بودن حقوق مالکیت فکری، با سهولت انجام نگرفته و هم‌چنان، صاحب‌نظران حقوق مالکیت فکری، تردیدهایی را در رابطه با فراملی‌بودن این نظام، مطرح می‌کنند.

## References

1. Chon M. Intellectual Property and the Development Divide. *Cardozo Law Review* 2006; 27: 2821-2912. Available at: <https://ssrn.com/abstract=894162>.
2. Agreement between the United Nations and the World Intellectual Property Organization, December 17, 1974.
3. World Trade Organization, Declaration on the TRIPS Agreement and Public Health, WT/MIN(01)/DEC/2, 41 I.L.M. 755; 2002. Adopted Nov 14, 2001.
4. UN Millennium Development Goals, G.A. Res. 55/2, U.N. Doc. A/RES/55/2; Sept 18, 2000. Available at: <http://www.un.org/millenniumgoals/index.html>.
5. Keith EM, Jerome HR. *International Public Goods and Transfer of Technology under a Globalized Intellectual Property Regime*. Cambridge, UK: Cambridge University Press; 2005.
6. Commission on Intellectual Property Rights. *Integrating Intellectual Property Rights and Development Policy*. 2002. p.17-18. Available at: [http://www.iprcommission.org/Graphic/Documents/Final\\_Report.htm](http://www.iprcommission.org/Graphic/Documents/Final_Report.htm).
7. Vienna Convention on the Law of Treaties between States and International Organizations or between International Organizations. 1986.
8. The North American Free Trade Agreement or NAFTA. 1994.
9. The Central American Free Trade Agreement (CAFTA). 2004.
10. Decision of the General Council, Implementation of Paragraph Six of the Doha Declaration on the TRIPS Agreement and Public Health, WT/L/540. Aug 30, 2003.
11. Agreement between the World Intellectual Property Organization and the World Trade Organization. 35 I.L.M. 754 (1996). Dec 22, 1995.
12. WIPO Copyright Treaty (WCT). 1996.
13. WIPO Performances and Phonograms Treaty (WPPT). 1996.
14. Convention on Biological diversity (CBD). 1992.
15. WIPO. Proposal by Argentina and Brazil for the Establishment of a Development Agenda for WIPO, WO/GA/31/11. Aug 27, 2004.

16. Declaration on the TRIPS Agreement and Public Health, WT/MIN (01)/DEC/2. Nov 20, 2001.